

(استاد سراج الدین سراج بر معجزه آفریده اش در یکی از بنا های شهر ونکوور مینگرد)



## مصاحبه اختصاصی با سراج الدین سراج شاعر، نقاش و میناتور یست شهیر کشور ما در کانادا

خانه فرهنگی "مولانا" که از سه سال به اینطرف در جلاوطنی تانسیس گردیده همواره سیعی و تلاشهای بیدریغ نموده که برای حفظ و رشد فرهنگ اصیل افغانی در جامعه غیر افغانی قدمهای مثبت و مفید برداشته و از وجایب فرهنگی خود دانسته که همیشه دانشمندان، نویسندگان، شاعران و هنرمندان یعنی در صورت مجموع علمبرداران فرهنگ را در فضای صمیمیت و برادری تحت یک چتر گرد هم جمع نموده نه تنها از فرهنگیان ماقبل یاد و بود و قدردانی نمایند بلکه هموطنانکه دور از فرهنگ افغانی خود اند با استفاده از اندوخته های فرهنگی دانشمندان نیز مستفید شده و سر مشق نسلهای آینده گردند. لهذا روی همین ملاحظات خبرنگار خانه فرهنگی "مولانا" به سلسله مصاحبات قبلی خود این بار با محترم سراج الدین سراج یکی از فرهنگیان ورزیده افغان ما که از فعلیتهای فرهنگی شان نه تنها جامعه افغانی ما مستفید گردیده بلکه مراجع رسمی ایالت برتس کولمبیا نیز از میناکاریها و رسامی های زیبایی جنابشان مستفید شده اند. استاد سراج الدین سراج زمانی افتخار شاگردی استاد سعید مشعل غوری داشته است.

خبرنگار: استاد سراج الدین سراج! خانه فرهنگی مولانا در شهر ونکوور کانادا از شخصیت هنری و ادبی مرحوم استاد محمد سعید مشعل طی مراسم شاننداری تجلیل بعمل آوردند جناب شما منحصیث شاگرد و هموطن وی لطف نموده بیوگرافی مختصر استاد مشعل را بیان نمائید.

استاد سراج الدین سراج: استاد محمد سعید مشعل غوری در سال 1295 ه ش در قریه نیلی ولسوالی تیوره ولایت غور در یک فامیل هنر مند و ادیب متنفذ دیده به جهان کشوده است. پدر استاد محمد سعید مشعل، محمود خان و کاکایش سلطان محمد خان بود که نامبرده شاعر خوش قریحه نیز بود پدر استاد مشعل محمود خان، از جمله سرداران ملی بود که در جنگ میوند اشتراک ورزیده بود و در زمان امیر حبیب الله خان مهماندار قصر وی بوده و در

زمان امان الله خان مدتی را بصفت حاکم در ولسوالی های مربوط لوگر نیز ایفای وظیفه کرده است.

استاد مشعل در زمان امان الله خان در مکاتب نو بنیاد کابل تعلیمات دیده بود. بعد از مرگ پدر و سرنگونی حکومت امان الله خان کابل را ترک و به مسکن اصلی خویش ولایت غور برگشت و مدتی را در آنجا اقامت گزید. سپس در سال 1320 به هرات رفت و قریه یا محله بابا حاجی را در غرب ولایت هرات برگزید. و بزندگی آغاز نمود. او در همین شهر پر فیض و مهد هنر و ادب بود که در تقویه و پرورش هنر میناتوری و احیای مکتب هنری بهزاد مجدانه کوشید. استاد مشعل علاوه بر کار های هنری یکسلسله کار های دولتی را نیز عهده دار بوده است. مدتی را حاکم و ولسوالهای جوند کهسان و گلران بود. زمانی به صفت معاون مرکزی خزانه دار کابل نیز کار کرده است. محترم نظر محمد خان خزانه دار که در زمان محمد ظاهرشاه این سمت را داشت برادر بزرگ استاد مشعل بود. در سال 1322 ه ش به اساس فرمان محمد ظاهر شاه پادشاه وقت به صفت عضو سنا انتصاب گردید.

در سال 1335 ه ش شهر دار هرات و همچنان مدتی را در هرات بحیث مسئول و سرپرست بخش ادیبان جوان انجمن ادبی هرات بود. و مدتی وظیفه مدیریت تحریرات ولایت هرات را نیز به عهده داشته بود.

سوال : راجع به حیات شخصی استاد مشعل معلومات داده و بگوید که به نظر شما این موفقیت های چطور نصیب استاد مشعل شد و مشوق آن در این راه کی بود؟

جواب:

مرحوم استاد محمد سعید مشعل، یک انسان خوش مشرب، ظریف و مردم دوست بود. با اطفال نهایت شفقت و با بزرگان صمیمانه رفتار می نمود. با مجامع ادبی و هنری روابط گسترده بی داشت و با اکثر چهره های ادبی و هنری هرات، در جهت انکشاف فرهنگ همکاری نزدیک داشته است. مشعل عاشق مکتب بهزاد بود و در احیای آن تا پای جان تلاش نمودند چنانچه خودش میگوید

من هنر را زنده کردم در هرات باستان  
خدمت ارزنده کردم ای معارف گر بدانی  
افتخارات ترا دایم بخود می بست ایران  
لیک من واپس گرفتم با وجود ناتونی  
سالها بهزاد گفتم رنج بردم ناله کردم  
کم شنید ارباب قدرت از اعالی تا ادانی

استاد مشعل هنگامیکه از غور بهرات آمد بخاطری در محله بابا حاجی مسکن گزین شد که در جوار ابدات تاریخی هرات قرار داشت و هر روز زمانیکه بدفتر کارش می رفت از همین محل عبور میکرد و لحظاتی را در نظاره تزیینات تعمیرات، مقبره ها و سنگ هفت قلم می نشست.

در همین محل آقای محراب الدین خان نیز زندگی داشتند و در امور هنری و ادبی با استاد مشعل یاری رسانیدند و استاد بار ها از روابط خویش با ایشان بخوشی یاد نموده است. استاد مشعل مشوق اصلی خویش را در هنر میناتوری و شعر و خطاطی، محترم سلطان محمد خان کاکای خود میدانست و هم از کتبی که توسط پدر بزرگوار آن از نقاشان و میناتویستان هرات و هند در کتابخانه خویش داشت استفاده فراوان نموده است.

البته محیط پر فضل و پر فیض هرات در رشد این فعالیت های هنری موثر بوده است. استاد مشعل از عالی جنابان هر یک عبدالله ملکیار و غلام علی انین و فضل الحق خالقیار والیان

هرات که استاد را هر یک در زمان شان در کارهای هنری اش یاری رساندند همیشه باسپاس و قدر دانی یاد آور می شدند.

تزنین تالارو لایت هرات که بنام خانه هرات نیز یاد میشود در زمان آقای خالقیار برهبری استاد مشعل و به همت یک تعداد از شاگردان پر کار استاد، با الهام از خانه زرنگار هرات که از عهد غزنویان باقیمانده بود و در زمان تیموریان دو باره تزئین گردید بود، نقاشی شده است. (متاسفانه آن خانه قصر زرنگار توسط یکی از صاحبمنصبان هنر ناشناس عهد ظاهر شاه ب خاک یکسان شد و استاد مشعل مرثیه در آن باره سروده است که قسمت آن این است.

روزیکه فلک روی زمین طرح جنون ریخت  
در کنگره عرش ملک از مژه خون ریخت  
دزدی بهرات آمد و جنرال سپه شد  
خبثی بدرون داشت که یکباره بیرن ریخت  
آن کاخ که از خامه بهزاد اثر است  
وارونه شد آنگاه مپرسید که چون ریخت  
ای قصرزر اندود در آنروز که ناگاه  
اندر پی تخریب تو یکباره قشون ریخت  
هر خشت که از گوشه دیوار تو افتاد  
خون دل ما بود که از دیده بیرون ریخت  
گر در پی تخریب تو جنرال اچک شد  
دیدیم که دست قدرش خون ز گلون ریخت  
فریادو فغان ولوله و ناله مشعل  
با حوصله و تاب و توان صبر و سکون ریخت

طالبان بی فرهنگ نیز در زمان حاکمیت خویش قسمت از نقاشی های فعلی هرات را که استاد مشعل با دستن لرزان و قلب آکنده از عشق در دهه هفتاد عمر خویش با عشق سرشار آفریده بود تخریب نمودند. ولی قسماً دیزاین های میناتوری و خطاطی ها باقیست امیدواریم صاحبان قدرت در افغانستان و بخصوص وزارت اطلاعات و فرهنگ افغانستان در احیایی دوباره آن جز میراث های فرهنگی کشور است همت گمارند.

سوال:

مرحوم استاد مشعل از کدام مکتب و یا شیوه پیروی مینمودند؟

جواب:

استاد مشعل از شیوه میناتوری بهزاد و روش مکتب هرات پیروی مینمود. در آفرینش تمام آثار میناتورنف خویش با رعایت قوانین رنگ، خط و تصویر آن شیوه، تا آخر عمرش هنر می آفرید.

و بهمین قسم حین تدریس هنر میناتوری برای شاگردان خویش آنها را به پیروی از اصول و پرنسیپهای مکتب بهزاد مکلف می ساخت. هیچگاهی نه خودش از این نورم های عدول می کرد و نه بشاگردانش اجازه میداد. استاد اظهار و تاکید می داشتند که حتی یک گلبرگ غیر مکتب بهزاد اگر در یک کمپوزیشن اثر هنری به شیوه بهزاد داخل شود، نه تنها از زیبایی اثر هنری کاسته می شود، بلکه شیوه و روش میناتوری بهزاد را مسخ می نماید. مخصوصاً در تذهیب و تشعیر و سایر دیزاینهای تزئینی سخت گیرانه شاگردان خویش را متوجه این امر میساخت ولی در نقاشی صحنه های مرکزی تابلو، استاد به این نظر بودند که موضوعات البته نظریشرایط تغیر می نمایند تکنیک رنگ آمیزی و چهره ها و همچنین سایه و روشن ها باید کامل به شیوه مکتب بهزاد کار شود

استاد در طرح و دیزاین تذهیب و تشعیر نهایت ما هر بودند ایشان از اشکال اسلیمی، دهان اژدر، گلبرگها و اشکال قفلی، کمپوزیشن های بسیار زیبا می آفریدند و برای هر یکی از اشکال فورمولی داشتند که با فراگیری آن فورمول ها در ایجاد کمپوزیشن های زیبا شاگردان میتوانست به اسانی دست یابند.

یکی از خصلتهای خاص که استاد مشعل این بود که او اکثراً رنگها را خودش می ساخت و قلم مورا نیز خودش از موی پشک آماده می ساخت .  
خبرنگار : راجع به آفریده های هنری استاد مشعل معلومات دهید

سراج :

استاد مشعل آثار فروان آفریدند اکثراً توریست ها و خارجی ها، کار های میناتور استاد را می خریدند . یکی از کارهای با ارزش استاد مرحوم صراحی یا خمی بزرگست که در هوتل کانتینینتال کابل موجود است

دیزاین و گچ بری محراب شبستان مسجد هرات رانیز استاد نموده است و در مرمت کاری اکثر حصص مسجد جامع هرات مشترک با استاد محمد علی عطار و یک مرمت کار در مسجد جامع که اسمش را بخاطر ندارم ، کار می نمودند.

طرح و دیزاین تالار ولایت هرات که بنام خانه هرات یاد میشود از جمله کارهای با ارزش و ماندگار استاد مشعل است. در سالهای اخیر حیاتش در حالیکه از نظر صحت دچار تکلیف بودند اما با آن هم حس هنر دوستی و عشق به هنر او را وا داشت تا با جمعی از شاگردانش این خانه را تزئین نمایند. البته در فراهم آوری سهولت های کاری محترم فضل الحق خالقیار توجه خاص نموده است .که استاد مشعل همیشه از ایشان در این رابطه قدر دانی می نمودند. اما متأسفانه طالبان ضد فرهنگ حین حاکمیت خویش دست به تخریب تابلو های نقاشی شده زدند که از این عمل شان استاد بی نهایت رنج برده است.

آنها با این هم بسنده نکرده تصمیم داشتند که استاد را از خانه اش که در زمان خالقیار بعد از اینکه در اثر جنگها خانه اصلی اش در محله بابا حاجی با تمام آثار هنری و نوشته هایش طعمه حریق گردید، برایش داده شده بود، بیرون راندند و به تن بیمار و خدمت بفرهنگ و وطن این مرد بی بدیل رحم و دلسوزی نکردند و مایه آزارش شدند که درد آور ترین و تلخ ترین خاطره استاد بعد از حریق خانه اولی اش بوده است.

مجسمه اسپان در پارک شهر هرات نیز از ساخته های استاد بزرگوار بود که سالهای سال زینت و زیبایی بشهر میداد. ضد فرهنگیان این مجسمه ها را نیز شکستاده و تخریب نمودند. استاد مشعل میگفت: یکروز از آن محل عبور میکردم اسپان را ندیدم و متوجه شدم که آنها را شکستاده اند از دیدن آن فکر کردم قلبم از حرکت باز مانده است چند دقیقه نشستم زیرا پاهایم یاری رفتن را نداشت. اما بعداً اشک ریخته از انجارفتم، بعد از آن هیچ نخواستم از آن محل عبور کنم.

چند نمونه از کارهای استاد مشعل که بعضاً نا تمام است ، در سایت جام غور موجود است که علاقمندان میتوانند مشاهده نمایند.

علاوه بر آثار نقاشی چون استاد شاعر شیوا بیان نیز بودند ، کتاب اشعار شان زیر عنوان (خشک وتر) که شامل مناجات ، قصاید، غزلیات، شوخی های سنتی ، المعنی فی البطن شاعر به شیوه فیضی دکنی، تاریخ های وفات، مشاعره ها ، رهنمایی نقاشی ، مطالبات و نشر نامه های دوستان استاد که بعد از وفات شان بمناسبت در گذشت استاد نوشته شده است. توسط استاد الحاج محمد وزیر اخی کرخی که از خطاطان معاصر افغانستان اند و فعلاً در ایالت انتریوی کانادا زندگی دارند ، بخط زیبایی نستعلقی خطاطی و چاپ شده است که خدمات محترم کرخی صاحب قابل قدر است و یقیناً خدمت بزرگ بفرهنگ مملکت می باشد. و در عین حال

ایشان از دوستان و همکاران نزدیک و صمیمی استاد مشعل فقید بودند و واقعا شرط دوستی را نیز بجا آوردند.  
سوال : استاد مشعل شاگردانی در رشته خود تربیه نموده است؟

جواب:

استاد مشعل کامل حیات خویش را وقف آموزش هنر میناتوری بچوانان و نو جوانان نموده بود، خانه اش الی آخرین دهه عمر شان چون صنف درسی محل آموزش اطفال و نو جوانان بود. رقم اصلی شاگردان استاد را بهتر است از قول خودش بدانیم .  
یکهزار و چهارصد شاگرد را تدریس کردم  
حیف کس راندند دشمن های ذوق و علم و فن

و یا در جای دیگر سروده است.

یکهزار و چهارصد شاگرد را تربیه کردم  
تا که شد آوازه دیارتمنت من جهانی  
پخش کردم من هنر را گونیا در هر ولایت  
میکنند از من یقین در هر ولایت قدر دانی

بهر صورت بگمانم آنده جوانان و علاقمندان هنر که از استاد فیض برده اند رقم انهاها از این هم فراتر خواهد بود. بنده نیز افتخار شاگردی استاد مشعل را دارم که متاسفانه بجای نرسیدم. اما هستند عده ای از شاگردان استاد که امروز هنر مندان نامدار و سر شناس و باعث افتخار افغانستان می باشند.  
- محترم عبدالحکیم رحیمی از جمله استادان فاکولته هنر های زیبا پوهنتون کابل که در رشته میناتوری کمتر کسی بان رقابت میتواند و فعلاً در استرلیا بسر می برند.  
- محترم عبدالحی فرحمند که فعلاً استاد بر حال فاکولته هنر های زیبا در کابل میباشد.  
- محترم فضل احمد مقصودی که تحصیلات خویش را در اتحاد شوروی سابق اكمال رسانیده و فعلاً در جرمنی زندگی می نمایند.  
- محترم عبدالاحمد منیر ، خلیل حاجی زاده و سعید از فارغان فاکولته هنر های زیبا پوهنتون کابل.

- محترم محترم سید مقصود خوشبخت ، محمد ناصر طالب و عنایت الله احراری از جمله شاگردان استاد می باشند این شاگردان استاد، میناتوری را بهمان اصالت مکتب بهزاد کار می نمایند. علاوه بر هنر میناتوری استاد شاگردانی را در رشته های گچ بری ، کندن کاری ، حکاکی و سایر صنایع ظریفه تربیه کرده اند که شمار آن به صد ها می رسد.  
سوال : استاد سراج الدین سراج به نظر محترم شما چگونه باید ثروت های معنوی ملت ما حفظ شود؟

جواب :

بهمه معلوم است که فرهنگیان هر کشور، ثروت معنوی و آفرینندگان افتخارات فرهنگی آن کشور اند ، فرهنگ یک کشور با زنده نگهداشتن هویت چهره های فرهنگی و ارزش دادن به آفریده های آن ، غنی تر و با ارزش تر میگردد.  
استاد مشعل که یکی از آن ابر مردان عرصه هنر و ادب است می بایست که در مجامع هنری بدیده قدر نگریده و با حفظ آثار هنری و چاپ آثار ادبی آن نه تنها از خدمات هنری آن تقدیر بعمل می آید بلکه هنر اصلی افغانی حفظ می گردد. من از همت والای الحاج محمد وزیر

اخی کرخی که با انگشتان طلایی خویش اشعار و سروده های شریں استاد مشعل را خطاطی و چاپ نموده اندستایش می نمایم و پیشنهاد می نمایم :

1 - وزارت اطلاعات و فرهنگ افغانستان ویا سایر حلقه های فرهنگی در چاپ این اثر و سایر آثار استاد اقدام نمایند.

2 - همچنان در مرمت کاری و احیایی دوباره نقاشی های تخریب شده استاد توسط طالبان در تالار ولایت هرات که بنام خانه هرات مسما است اقدام واین جایگاه با ارزش هنری را حفظ نمایند.

3- به پاسداری از خدمات شایسته هنری استاد مشعل ، موسسه تعلیمی را در هرات ویاغور، تاسیس نمایند تا در آن علاقمندان هنر آموزش به بینند.

خبرنگار : استاد سراج راجع به حیات ادبی و هنری خود کمی صحبت کنید.

استاد سراج :

جناب معاشر صاحب. من ادیب نیستم که راجع به فعالیت های ادبی خویش چیزی بنگارم . ولی شعر وادب را دوست دارم و گهگاهی گستاخی کرده کلمات را روی هم قرار می دهم و میخواهم شعر گونه های از آن بسازم، من از نظر تصویر آفرینی مشابتهت های میان شعر و نقاشی می بینم زیرا تخیلات شاعرانه نیز سبب ایجاد تصاویر می شود ( تصاویر ذهنی )، هنر مند نقاش به تصورات و تخیلات خویش عینیت می بخشد و به مدد رنگ و خط و حجم آن را قابل دید می سازد.

رشته اصلی کار من نقاشی و میناتوری است . ولی سروده های پراکنده در عرصه شعر و شاعری دارم که نیاز به غور و اصلاح بیشتر دارد ، تا بتوان بان ها شعر خطاب کرد، هنوز در تنظیم انها نکوشیده ام . در نظر دارم تا در آینده بکمک بعضی دوستان شعر فهم اگر در این عرصه از لطف خود مرا راهنمایی کنند، مجموعه داشته باشم.

خبرنگار: استاد سراج : در شهر ونکوور کاتادا در بعضی بنا ها تابلو های نقاشی شده ای شما را دیدم. در رابطه به خواننده گان توضیحات بدهید.

استاد سراج:

گرچه من در این جا بشکل پیگیر فعالیت هنری در عرصه نقاشی و میناتوری نداشتم اما به قسم پراکنده کار های هنری نمودم که از جمله آن دو کار بزرگ در شفاخانه شهر ونکوور و نیویست منستر انجام دادم که میتوان از جمله کار های بزرگ هنری ام نام برد. در شفاخانه عمومی ونکوور در حدود پانزده تابلو نقاشی نمودم که بیشتر موضوعات طب و طبیبان بر جسته درین عرصه بوده است که یکی از آنها ابوعلی سینا را در بستر مریض نشان می دهد و دیگرش لویی پاستور را در لابراتوار تحقیقاتش و تصاویر اناتومیست ها و طبیبان معروف را کار کرده ام . که بصورت عموم انکشاف طبابت را طی چندین قرن نشان میدهد .

سوژه ها و موضوعات برایم داده شده بود ، بجز از تخنیک کار و رنگ آمیزی که شیوه خود را اختیار نمودم ، در تغییر موضوع صلاحیت نداشتم و بموضوع داده شده محدود بودم. در شفاخانه نیو ویست منستر اصلاً بشکل دایروی شش تابلو را در یکدایره به قطر 23 فیت کار کردم ، موضوعات را برایم ارایه کرده بودند ، این تابلو ها نیز فعالیت های طبی را در قرن 21، 20، 19، 18، نشان میدهد. این اثر مدت هفت ماه را در بر گرفت تا تمام شد و مورد استقبال عامه نیز قرار گرفت.

سوال: در این شهر شاگرد ویا مکتب دارید؟ که ادامه گر هنر شما باشد.

همین اکنون نه شاگرد دارم و نه محل تدریس . این نه بدان معنی است که نمی خواهم، چندین سال قبل من مدت یکسال را در مکتب سید جمال الدین افغان که روزهای شنبه برای اطفال، لسان دری، دنییات و قرآن کریم درس میدادند در پهلوی این مضامین برای پسران و دختران مکتب مضامین آرت و خطاطی را تدریس میکردم، اطفال با استعداد در میان شاگردان موجود بود . اما اینکه پیگرانه شاگرد دانی جهت آموزش هنر میناتوری و نقاشی مراجعه نمایند ، نکردند

. درین اواخر جوانان انجمن فرهنگی "موج" که سازماندهی و سرپرستی آن را خانم فاطمه جان بعهده دارند تقاضا نمودند که اگر ممکن باشد برای آنده که باموزش هنر نقاشی علاقمند باشند ، میناتوری تدریس نمایم که من به ایشان وعده همکاری دادم . همچنان برای جوانان خانه فرهنگی " مولانا" اگر علاقمند باشند نیز صنف هنر میناتوری ایجاد به تدریس آنها آماده ام.

خبرنگار : از ان اثارتان که شما زیاد تر خوش دارید نام ببرید اگر امکان باشد به علاقمندان نشان دهید و راجع به آن توضیحات مختصر دهید.  
استاد سراج:

من تمام آثارم را می پسندم و دوست دارم ، ضرب المثلی معروفی است که آفریده های هنری یک هنر مند بمثابة اولاد های آن است. بنا همه آفریده های هنری ام نتیجه زحمت کشی فراوان و قبول خستگی های است که حین انجام کار یک اثر متحمل شدم ، نور بصر مصرف کردم و گاهی شده که چای را خواستم بنوشم آب رنگ پر نوشیدم . از هر اثر هنری خود خاطره علیحده ای دارم و زمانیکه به آنها تماشاه میکنم گذشته خویش را می یابم چه تلخ و چه شیرین برایم با ارزش است و مخصوصاً گاهی که می بینم بنندگان از دیدن آثار ام لذت می برند.بیشتر خوشی برایم دست می دهد زیرا احساس می کنم بموفقیت کلان دست یافتم و آن اینکه دیگران از آثارم لذت می برند

.طوریکه قبلاً ذکر نمودم تابلوی بزرگی در تالار شفاخانه ( رویال کولمبین)در شهر نیوست منستر کار کردم کاریست ماندگار و با ارزش ، این اثر بزرگ در سقف یگ گنبد بشکل دایروی که قطر آن 23 فیت است نقاشی شده که مجموعاً شش تابلو در همین کمپوزیشن دایروی جا داده شده و مولدنگ و یا فریم آن را که مجموعاً 470 فت است نیز برنگهای طلانی و نسواری رنگ آمیزی نمودم . این اثر جمعاً مدت هفت ماه را در بر گرفت تا تکمیل شد مورد استقبال قرار گرفت در نشرات و روزنامه های کانادا انعکاس یافت و همراهی مصاحبه نمودند.

یک تابلوی دیگری که زیاد می پسندم تابلوی است بنام (افغانستان)که در آن چندین اثر تاریخی افغانستان در یک کمپوزیشن نقاشی شده . علاوه تابلوهای زیادی بشیوه میناتوری دارم که بسیار خوش دارم، تعداد تابلو هایم زیاد است ، توضیح هر یک البته از حوله این بحث خارج است.

خبرنگار: در اخیر یک سوال معمولی : کدام پیام به هموطنان و علاقمندان هنر خود دارید؟  
استاد سراج:

آفریننده میراث فرهنگی اند ارج نگذاریم و بحفظ میراث های فرهنگی ورشد و توسعه آن همت نگماریم بمرور زمان فراموش و از بین میرود و میخواهم در این قسمت گفته یک دانشمند را نقل قول کنم

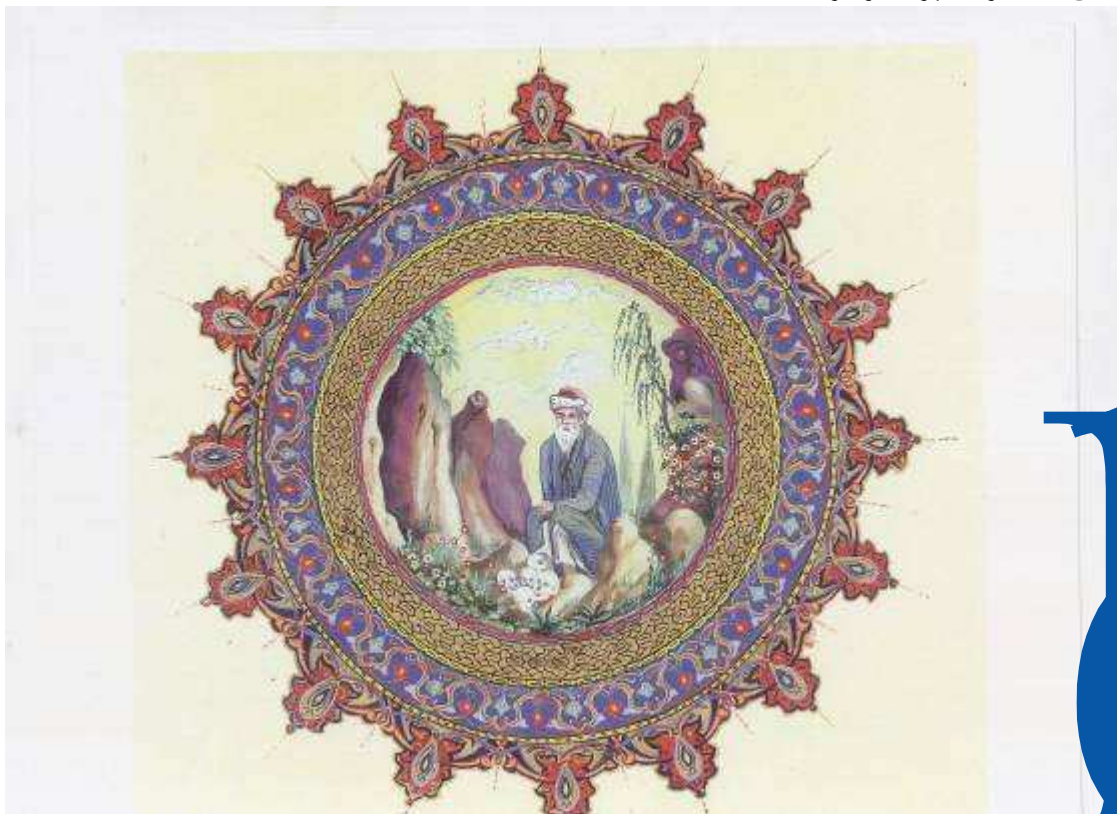
فرهنگ یک کشور ، هویت آن است .اگر به داشته های فرهنگی و فرهنگیان که که میگوفت:( اگر ثروت خود را از دست دادی ، چیزی از دست ندادی ، اگر صحت خود را از دست دادی یک چیزی را از دادی ، هر گاه زبان و فرهنگ خود را از دست دادی در حقیقت

همه چیز از دست داده ای.) ادب و هنر که اجزای فرهنگ اند توسط نخبگان فرهنگی یک ملت آفریده شده بنا یاد آن ابر مردان عرصه فرهنگ پاسداری فرهنگ است.

در مورد علاقمندان هنرم باید به عرض برسانم ، کسیکه مرا مورد نوازش خویش قرار می دهند و هنرم را قدر می کنند . من ممنون زره نوازی های شان هستم . و آنعده جوانانیکه علاقمند آموختن هنر نقاشی میناتوری باشند و در خدمت فرد فرد شان با افتخار حاضرم و از هیچ گونه تلاش دریغ نمی ورزم .

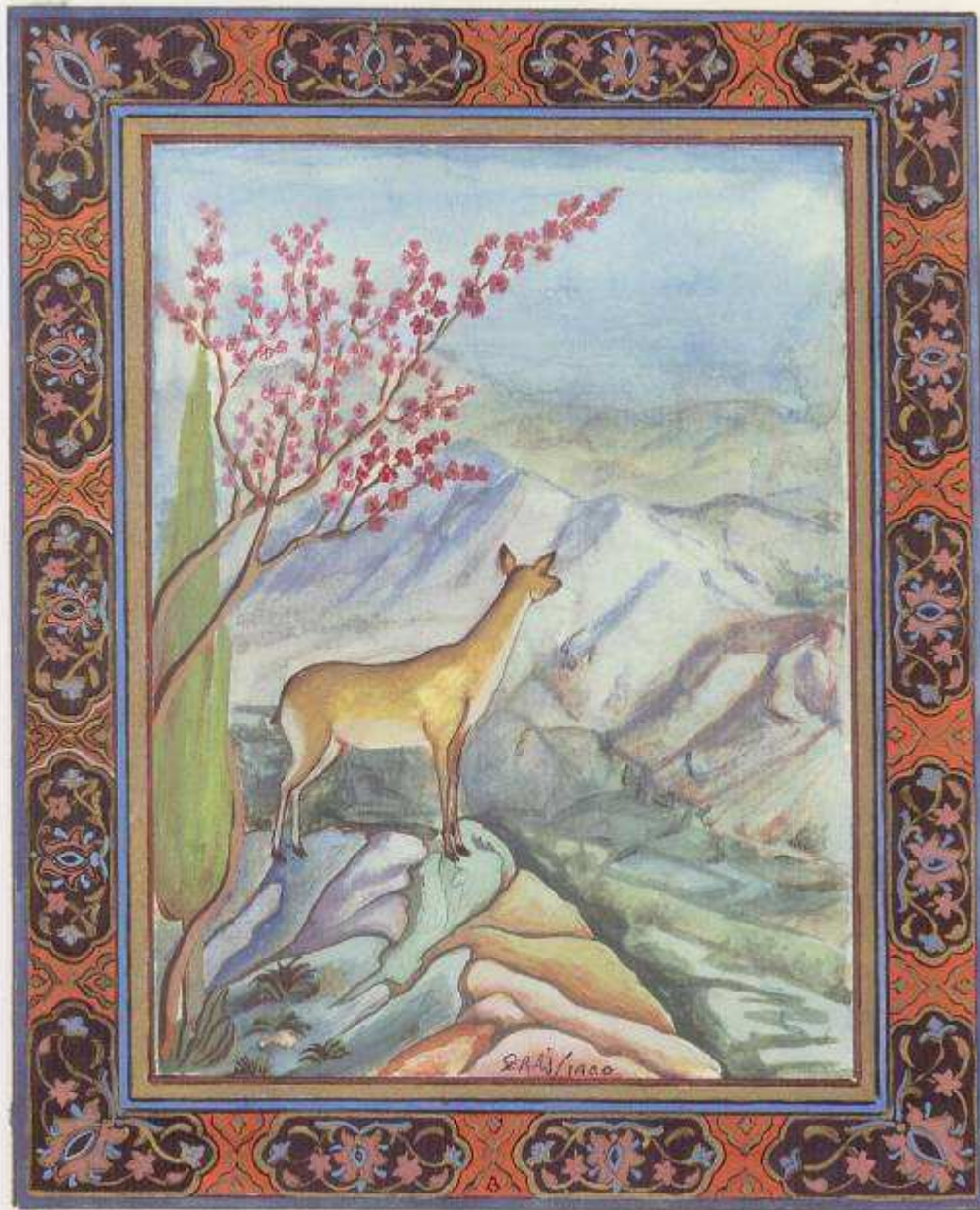
استاد سراج الدین سراج الدین سراج نقاش ظریف پنجه ، ادیب با درد هموطنم :جریان صحبت ما مرا بیاد آن انداخت که بابای ما علامه ابوریحان بیرونی در کتاب خویش با عقل و مشعل خود حیات آنطرف از بحر را که مقصد شان مردمان ( فیرست نشنل) امریکا بود حیات آنها را با وسایط کار شان تشریح نموده امید رسیدن به آنها را به مقصد کمک نموده بوده است . امروز خوشبخت استیم که آرزو های ن ابر مرد فرهنگ برآورده میشود. شما این سرزمین را با ظرافت های هنر تان زیبایی می بخشید تشکر از شما. استاد سراج: از شما نیز سپاسگذارم که صحبت های را در مورد استاد مشعل و هنر با هم داشتیم.

امان معاشر، خبرنگار آزاد









چهار تابلو های نقاشی شده استاد سراج الدین سراج است که در بنا های شهر ونکوور نقش زده است